

۲۵ اسفند ۱۳۹۸ - شماره: ۱۲۵

مقاله ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

فجایع هند و چین در سایه‌ی سکوت و سازش

نویسنده مقاله:
ناصر یار محمدی

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



هند؛ کشوری با بیش از ۲۰۱ میلیون مسلمان ... کشوری که حدود ۱۱ درصد مسلمانان جهان را در خود جای داده است ... کشوری که ۱۴ درصد مردمانش را مسلمانان تشکیل داده اند ... کشوری که رتبه‌ی دوم را در بین کشورهای با اقلیت مذهبی مسلمان دارد ...

اکنون با تزیین شیطان، قوانینی وضع کرده که نتیجه‌ی خواسته یا ناخواسته‌ی آن اخراج مسلمانان این کشور خواهد بود... و البته هتک حرمت آنان، آزار رساندن به آنان، گرفتن اندک اموال آنان، اخراجشان از خانه و کاشانه به مقصدی نامعلوم، سوزاندن آنان، کشتار آنان در روز روشن، لگدکوب کردن و خرد کردن اجساد آنان پس از کشتنشان به فجیع‌ترین وضع ممکن و ...

چرا سازمان‌هایی که داعیه‌ی حقوق بشرشان آفاق را پر کرده است ساکتند؟! کجا هستند آن «بشر دوستانی» که میلیون‌ها دلار برای به راه انداختن کمپین‌های حمایتی از بلاهایی که خودشان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به جان مردم انداخته‌اند خرج می‌کنند؟! چرا هیچ‌کدام خمی به ابرو نمی‌آورند؟!

بگذریم؛ می‌گوییم این‌ها خودشان زاده‌ی شیطان‌اند، قبول ...

اما در این بین، چرا کشورهایی که ادعای اسلام‌شان گوش فلک را کر کرده است ساکتند؟! فقط یاد دارند محکوم کنند؟! صرف اینکه بگویند: «قلب مسلمانان جهان از کشتار مسلمانان در هند جریحه‌دار است. دولت هند باید در مقابل هندوهای افراطی و احزاب طرفدار آنها بایستد و با توقف کشتار مسلمانان، از انزوای خود در جهان اسلام جلوگیری کند.» کافی است؟! اگر کافی است، پس چرا در سوریه و عراق به آن اکتفا نکردند؟! مگر آنها مسلمانان «مسلمان‌تری» بودند؟! این محکوم کردن‌ها جان مسلمانی را نجات می‌دهد یا از تجاوز به حریم شخصی‌اش ممانعت به عمل می‌آورد؟!

از خودتان می‌پرسم ای حاکمان مسلمانی که خود را نماینده‌ی اسلام و قیّم مسلمانان جهان می‌دانید!

چرا در برابر ظلمی که به سایر مسلمانان در اقصی نقاط دنیا می‌شود ساکتید؟! مسلمانان اویغور چین، چون در کشوری هستند که رابطه‌ی سیاسی خوبی با شما دارد، دیگر حق حمایت شدن ندارند؟! چرا در برابر حاکمان ظالم و کمونیست چین ساکتید؟! چرا آنها را حتی محکوم هم نمی‌کنید؟!

از «بیداری جهان اسلام» سخن می‌گویید، در حالی که خود از جمله‌ی خفتگانید! یکی باید خودتان را از خواب غفلت بیدار کند که البته نمی‌تواند! زیرا کسی که خود را به خواب زده باشد را نمی‌توان بیدار کرد!

سؤال این است که اگر راهی برای حلّ این بحران‌ها ندارید، چرا میدان را برای عالمی که راه حلّی یقینی و عملی دارد و بر آن تواناست باز نمی‌گذارید؟ چرا علیه این عالم بزرگ و وارسته که هیچ ادعایی برای خود ندارد، شرورانه و گستاخانه و با به‌کارگیری انواع روش‌های کثیف و ماکیاویستی، فعالیت و تبلیغ می‌کنید؟ چرا وقتی در برابر گفتمان گران‌سنگ ایشان حرفی برای گفتن ندارید، به دروغ‌گویی و هوچی‌گری متوسّل می‌شوید؟ «اگر دین ندارید، دست کم آزاده باشید»!

علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی مشکل اصلی جهان اسلام را می‌شناسد و راه حلّ آن را هم می‌داند. او برای رسیدن به هدف خود، که برقراری حاکمیت الهی و عدالت مطلق جهانی به دست خلیفه‌ی خداست، لحظه‌ای از پاننشسته و زندگی خود را وقف آن کرده و «آسمان آبی را سقف خود و زمین خاکی را فرش خود» ساخته و «خود را مانند پاره‌سنگی در اقیانوس بلا» انداخته تا زمینه‌ی ظهور مهدی را بسازد و دیر یا زود، با شما یا بدون شما، به هدف خود خواهد رسید ان شاء الله.

به وجدان خود رجوع کنید و از ضمیر خود بپرسید. عوام‌فریبی تا کی؟! ادّعی داشتند چیزی که ندارید تا کی؟! عذاب الهی را نمی‌بینید که از زمین و آسمان بر سرتان نازل می‌شود؟! نکند هنوز هم خود را مصون از عذاب الهی می‌دانید و این بلاها را «ساخته‌ی دست آمریکا و اسرائیل» می‌پندارید؟! نکند این همه زلزله و سیل و آفت و خشکسالی و بیماری و پدیده‌های غیر عادی را، همه و همه را، فقط «توطئه‌ی دشمنان» می‌دانید؟! این خودفریبی تا کی؟! چرا از خواب غفلت بیدار نمی‌شوید و به خودتان نمی‌آیید؟! چرا دست خداوند را نمی‌بینید و نشانه‌های غضبش که در آفاق و آنفس آشکار شده است را حاشا می‌کنید؟! آیا به همین شعرها و شعارهای احساسی و عامیانه بسنده کرده‌اید که بگویید: «ظهور نزدیک است» و «خبرهایی در راه است»؟! نکند از طریق چاه جمکران، با آقا در ارتباطید؟! یا شاید هم در خواب‌هایتان دارید کارهایی می‌کنید که ما از آن بی‌خبریم!

بس است دیگر! دست از این توهمات بردارید. دست از این خودپرستی بردارید. دست بردارید از اینکه خود را مالک و ارباب مردم بدانید. تا کی می‌خواهید به خود و دیگران دروغ بگویید و در حالی که از شیطان پیروی می‌کنید، خود را دوستان خداوند بشمارید؟! هر قدر هم به این کار ادامه دهید، در نهایت باز هم شکست خواهید خورد؛ چراکه پیروی از شیطان نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت و شکست یعنی رسوایی در دنیا و عذاب در آخرت! چشمان خود را به روی حقیقت باز کنید و ندای منادی صادقی که فریاد می‌زند: «حکومت بر شما برای مهدی است» را بشنوید. اگر او را یاری نمی‌کنید، دست کم سدّ راهش نشوید و به مقابله با او برنخیزید. بترسید از روزی که یاری خداوند به او فرا رسد و شما مجبور به تسلیم در برابر او شوید؛ چراکه در آن روز از شما پذیرفته نخواهد شد.

خطاب به همه‌ی برادران و خواهران مسلمانم که در هر نقطه‌ی دنیا، در منجلاب اقتصاد فاسد شیطانی، تحت ظلم‌ها و زورگویی‌ها و آزارها و اذیت‌ها، یا در حیرت و سرگردانی، یا در خواب عمیق «امنیت» و «دین‌داری جاهلانه»، سرخوش از «مسلمان» نامیدن خود، غوطه‌ور در «جاهلیت مذهبی» خود، مشغول «رهبانیت» خود و ... هستند، خطاب به همه‌ی آن‌ها سخن این عالم خیرخواه را یادآوری می‌کنم:

«هرآینه مثل شما در زندگی دنیا مثل کودکی بوده است که مادر خویش را در انبوه جمعیت گم کرده باشد، پس به امید دست یافتن بر او به دامن هر زنی چنگ می‌زند و مدّتی در پی او روان می‌گردد، تا آن‌گاه که از او بی‌مهری می‌بیند و در می‌یابد که او مادر نیست، پس شیون‌کنان او را وا می‌گذارد و به دامن دیگری می‌آویزد، تا آن‌گاه که تاریکی شب او را فرا می‌گیرد و سرمای آن او را تلف می‌کند،

در حالی که یاری کننده‌ای برای او نیست!^۱

این همه قرن گذشت و ما هنوز در خواهیم! کاش اندکی عبرت بگیریم! کاش بفهمیم که هیچ مکتبی جز اسلام و هیچ حاکمی جز خلیفه‌ی خدا ما را به سعادت و رستگاری نخواهد رساند! «مشکل این جاست که مردم، پشت خود را به هر کس سپردند و دست خود را به انسان کامل ندادند!»^۲

بیایید به دور از تعصب، بر کنار از تکبر، با زیر پا گذاشتن اهواء نفسانی خود و ترک وابستگی به دنیا، از جهلی که در آن فرو رفته‌ایم بیرون بیاییم و خرافه‌هایی که تا الان داشته‌ایم را کنار بگذاریم و بدون تقلید از این و آن و فقط و فقط با توجه به دلایل یقینی از عقل و شرع، ندای این عالم فرزانه را بشنویم و دعوت او به سوی مهدی را اجابت کنیم، آنجا که می‌فرماید:

«اگر سر نجات دارید، من را با شما نصیحتی است: از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به سوی او توبه کنید و از کسی فرمان برید که او تظہیرش کرده و هدایتش نموده است، همان که وصفش را در صحف پیامبران می‌یابید و نامش را در کتب گذشتگان می‌خوانید، نه از کسی که عقلی اندک و ادعایی بسیار دارد و از هوای نفس پیروی می‌کند و بسیار مستبد و ستیزه‌جوست. آن گاه خواهید دید که زمین از عدالت پر می‌شود، چونان که از ظلم پر شده و عدالت از عسل شیرین‌تر و از کره نرم‌تر و از برف پاکیزه‌تر است. پس اگر ابا کردید بدانید که حکومت‌تان شما را از خداوند نجات نخواهد داد و ارتش‌ها و سلاح‌هایتان شما را از او حفظ نخواهد کرد، همان گونه که حکومت گذشتگان آنان را از او نجات نداد و ارتش‌ها و سلاح‌هایشان آنان را از او حفظ نکرد، هنگامی که خشمش بر آنان افروخته شد و عذابش بر آنان فرود آمد!»^۳

به خود بیاییم. همه‌ی ما در برابر آن کودک یمنی گرسنه‌ای که پوستش به استخوان چسبیده مسئول هستیم؛ همه‌ی ما در برابر آن ضربه‌ای که بر پهلوی آن مسلمان آواری هندی می‌خورد مسئول هستیم؛ همه‌ی ما در برابر اسارت و ظلمی که بر مسلمانان مستضعف چین تحمیل می‌شود مسئول هستیم؛ همه‌ی ما در برابر زیر آوار رفتن خانواده‌های مسلمانی که در شامات زندگی ناامنی دارند مسئول هستیم...

آیا به همین راضی شده‌ایم که امنیتی ظاهری داریم؟! آیا به همین قانعیم که در آسایشی

۱. نامه‌ی ۱۴

۲. هندسه عدالت، ص ۴۷

۳. نامه‌ی ۱۹

